دریچه

توزیع کاغذ مطبوعات براساس مصرف واقعی

● **شرق:** با دستور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی «کمیته توزیع کاغذ مطبوعات» تشکیل و نخستین جلسه آن به ریاست معاون امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی و با حضور جمعی از کارشناسان مربوطه برگزار شد.در نخستین جلسه دور جدید کمیته توزیع کاغذ مطبوعات مقرر شد: تخصیص کاغذ بر اساس راستی‌آزمایی مصرف واقعی مطبوعات صورت گیرد. در این جلسه همچنین مصوب شد برای تأمین کاغذ نشریاتی که در شرایط اضطرار قرار دارند، تمهیداتی پیش‌بینی و اعلام شود. کمیته توزیع کاغذ مطبوعات با هدف توزیع عادلانه یارانه‌های حمایتی، بررسی مصرف واقعی نشریات، سرعت‌بخشی به مسیر ورود کاغذ به کشور و هم‌زمان توزیع درست آن، رسیدگی به وضعیت رسانه‌هایی که اختلالی در انتشار آنها به دلیل کمبود کاغذ ایجاد شده و استفاده از ظرفیت همه دستگاه‌ها برای کمک به وضعیت بازار کاغذ با توجه به تأکیدات رئیس‌جمهور، معاون اول رئیس‌جمهور و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شد. طبق اعلام اداره کل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی، صاحب‌نظران و فعالان مطبوعاتی می‌توانند نظرات کارشناسی خود را برای توزیع هدفمند و بهینه کاغذ به این اداره کل ارسال کنند.

وقوع ۴۰ درصد سرقت‌های کل کشور در تهران و البرز

● **تسنیم:** جانشین فرمانده ناجا با بیان اینکه بیش از ۷۰ درصد سرقت‌ها در ۱۰ استان کشور روی می‌دهد، گفت: نزدیک ۴۰ درصد سرقت‌ها در تهران، البرز و شرق و غرب تهران به وقوع می‌پیوندد.سردار ایوب سلیمانی افزود: از نیمه دوم اسفند تا پایان تعطیلات نوروزی بیش از ۲۵ درصد شیب سرقت را نسبت به ماه قبل آن کاهش دادیم و تلاش داریم این آمار در سال جاری به همین نسبت جلو برود. به گفته سلیمانی بیش از ۷۰ درصد سرقت‌ها در ۱۰ استان کشور است و نزدیک به ۴۰ درصد سرقت‌ها فقط در تهران، البرز و غرب و شرق تهران روی می‌دهد.

ادامه از صفحه اول

ما و بازی دموکرات‌های آمریکا

اینکه ایران با دو حزب اصلی آمریکا در تماس و ارتباط باشد، نه تنها اشکالی ندارد بلکه در جای خود ممکن است ضرورت هم داشته باشد. آنچه اشکال دارد این است که احزاب مزبور ما را به بازی در زمین خود بکشانند. ادعای تلاش دموکرات‌ها برای بازداشتن تهران از گفت‌وگو با دولت ترامپ تا پایان دوره ریاست‌جمهوری او اگر صحت داشته باشد، مصداق بازی‌کردن در زمین دموکرات‌ها است. این بازی وقتی شکلی خطرناک پیدا می‌کند که می‌بینیم به مفروضاتی متکی است که معلوم نیست به وقوع بپیوندند. نخست آنکه معلوم نیست ترامپ پست ریاست‌جمهوری را در دور دوم به دموکرات‌ها واگذار کند. دوم آنکه دموکرات‌هایی که تاکنون نامزدی خود را اعلام کرده‌اند، مواضع متفاوتی در قبال برجام دارند؛ به‌گونه‌ای که غیر از ساندرز بقیه، از جمله جو بایدن، خواهان بازگشت مشروط به برجام هستند که همین موجب پیچیده‌ترشدن موضوع می‌شود. سوم آنکه معلوم نیست اگر حزب دموکرات هم برنده انتخابات ۲۰۲۰ شود، موضع کنونی خود را در برابر برجام حفظ کند.با توجه به مطالب پیش‌گفته، اگر بنا به هر دلیلی قرار نیست مذاکره‌ای با دولت کنونی آمریکا صورت گیرد که این یادداشت درباره آن حرفی ندارد، اما اگر دموکرات‌های آمریکا به هر نحوی در این ترک فعل دخیل هستند، باید نسبت به پیامدهای آن زنهار داد؛ چراکه نه شرط عقل است که به وعده‌های غیرعملی و حتی خیال‌پردازانه امید بست و نه به صلاح و صواب است که در اختلافات بین‌حزبی آمریکا درگیر شد. زمانی هیلاری کلینتون، وزیر خارجه دولت اوباما در دوره نخست ریاست‌جمهوری، با افتخار اظهار کرد که با طراحی تحریم‌های سنگین علیه ایران، این کشور را پای میز مذاکره آورده است و حال جان کری، وزیر خارجه اوباما در دوره دوم ریاست‌جمهوری، مصاحبه کرده و چنین گفته است: «ما در مذاکرات برجام تحریم‌های حقوق بشر را حفظ کردیم؛ تحریم‌های آزمایش موشکی را حفظ کردیم؛ تحریم علیه ارسال سلاح به یمن را حفظ کردیم. ما این تحریم‌ها را حتی در زمانی که در حال مذاکره درباره برجام بودیم، افزایش دادیم. نظریه ما این بود که وقتی شما به برجام رسیدید و ثابت می‌کنید که می‌خواهید آن را همان‌طور که موافقت کردید، اجرا کنید، تمام آن مسائل دیگر را روی میز قرار دهید».نقل فرازهایی از اظهارات دو سیاست‌مدار ارشد دموکرات که در هشت سال ریاست‌جمهوری اوباما تصدی دستگاه دیپلماسی آمریکا را به عهده داشتند، به قدری گویا است که جایی برای مجامله درباره تفاوت دیدگاه و رویکرد دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان درباره ایران و پرونده هسته‌ای باقی نمی‌گذارد و و به ما نشان می‌دهد که بازکردن حساب مستقل روی هر کدام از آنها، به ویژه وقتی که در موقعیت اپوزیسیون قرار دارند، راه به جایی نمی‌برد.

گزارش «شرق» درباره ابعاد مختلف کاهش جمعیت در ایران

چراغ قرمز ازدواج و تولد

شهرزاد همتی: به گفته رئیس اداره سلامت جمعیت، خانواده و مدارس وزارت بهداشت، ازدواج در سال‌های اخیر کاهش داشته است. حامد برکاتی می‌گوید: در سال ۸۹، ۸۹۰ هزار ازدواج در کشور ثبت شد که متأسفانه سالانه حدود شش درصد کم شده و در سال ۹۶ تعداد ازدواج‌ها به ۶۶۰ هزار ازدواج رسیده است. باید توجه داشته باشیم که در یک بازه زمانی هشت‌ساله از سال ۸۹ تا سال ۹۶ ازدواج در کشور ۳۰ درصد کم شده است.

در سال ۱۳۹۰، ۱۳ میلیون جوان در شُرف ازدواج قرار داشتند و ازدواج نکرده بودند و این رقم در سال ۹۶ به بیش از ۱۱ میلیون رسیده و این موضوع نشان‌دهنده کاهش جمعیت است. در سال‌های اخیر نیز شاهد افزایش سن ازدواج جوانان بوده‌ایم. بررسی‌های ما در سال ۹۵ نشان داد که میانگین سن مناسب ازدواج دختران ۲۴ سال و پسران ۲۷.۵ سال بوده که متأسفانه شاهد افزایش این عدد در سال‌های گذشته هستیم. در کشور ما تولدها در سال‌های اخیر به‌شدت کاهش یافته است. وی گفت: این موضوع به دلیل کاهش ازدواج‌هاست. ما در برهه‌ای از سال ۹۵ با افزایش باروری مواجه بودیم، به دلیل اینکه زوج‌های متولد دهه ۶۰ در شرف ازدواج قرار داشتند، اما به مرور نرخ باروری در کشور کاهش پیدا کرده است.

آنچه رئیس اداره سلامت جمعیت، خانواده و مدارس وزارت بهداشت به آن اشاره می‌کند، حکایتی از افزایش هرساله آمار کاهش ازدواج است. این در حالی است که در سال‌های اخیر تلاش مسئولان بهداشتی و اجتماعی بر افزایش فرزندآوری بود. در سال‌های اخیر دیگر خبری از ماجراهای فرزند کمتر، زندگی بهتر نبود و سیاست‌های کاهش جمعیت که در ابتدای پیروزی انقلاب تا دهه ۷۰ به کار برده شد، دیگر محلی از اعراب نداشت، اما به نظر می‌رسد این تلاش‌ها چندان موفقیت‌آمیز نبوده است. البته به گفته سخنگوی سازمان ثبت‌احوال درباره علت روند رو به کاهش ازدواج، گذار متولدین دهه ۶۰ از سن ازدواج و فرزندآوری تقریبا عامل اصلی روند کاهش ازدواج و ولادت است.

به گفته مرکز آمار ایران، دهه‌شصتی‌ها با ۱۶ میلیون و ۸۰۲ هزار و ۴۶ نفر بیشترین سهم از جمعیت کشور را دارند و یک‌سوم مردهای دهه‌شصتی و ۱۹ درصد زنان این دهه هنوز ازدواج نکرده‌اند. آمارهای بین‌المللی و داخلی نشان می‌دهد ۱۳ میلیون جوان مجرد ایرانی از سن مناسب ازدواج عبور کرده و در معرض تجرد قطعی قرار گرفته‌اند و دیگر خیال ازدواج را ندارند. سن رسیدن به تجرد قطعی بالای۴۰ سال برای زنان و ۵۰ سال برای مردان است. پیش از این دفتر سلامت خانواده و جمعیت وزارت بهداشت اعلام کرده بود بیش از ۱۳ میلیون جوان مجرد ایرانی که در آستانه ازدواج هستند، سن مناسب ازدواج را سپری کرده‌اند یا در حال سپری‌کردن این سن هستند. «به علل مختلف متوسط سن ازدواج دختران و پسران ایرانی در یک دهه اخیر در استان‌های مختلف بین چهار تا شش سال افزایش یافته و اکنون متوسط سن ازدواج دختران ایرانی ۲۵ سال و متوسط سن پسران ایرانی ۲۷ سال است و البته این آمار در استان‌های بزرگ مانند تهران بالاتر و رو به افزایش است.

درحالی‌که در سال‌های گذشته تعداد مجردان قطعی افزایش یافته است، اما در سال ۱۳۷۵ تجرد قطعی برای مردان حدود ۱.۱ درصد و برای زنان ۱.۲ درصد بوده است. روند افزایشی تجرد قطعی در زنان خیلی بیشتر از مردان بوده، به‌طوری‌که طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ این شاخص برای مردان حدود دوبرابر شده، اما برای زنان بیش از سه‌برابر شده است. طبق سرشماری سال ۱۳۹۵، ۱۰ درصد زنان ۳۵ تا ۳۹ ساله کشور مجردند. این در حالی است که در گروه سنی ۴۰ تا ۴۴ ساله ۶.۸ درصد، در گروه سنی ۴۰ تا ۴۴ساله ۶.۸ درصد و ۵۰ تا ۵۴ ساله‌ها نیز ۳.۱ درصد مجرد هستند.

این تغییرات ساختاری

شهلا کاظمی‌پور، جمعیت‌شناس و استاد دانشگاه، درباره دلایل کاهش ازدواج و موالید در کشور به «شرق» می‌گوید: این درست است که تعداد ازدواج رو به کاهش است و تعداد طلاق افزایش داشته، اما هیچ نهادی اجازه ارائه رقم خام این اطلاعات را ندارد و اعلام‌کننده این ارقام باید تحت تعقیب قرار گیرد. قرار بود تنها شاخص‌ها در آمار اعلام شوند و هر مرجعی هم که این آمارها را اعلام می‌کند تحت تعقیب قرار گیرد تا اعلام شاخص در خاطرمان بماند.

وی افزود: درست است که آمار ازدواج کاهش یافته، اما ما باید آمار ازدواج را نسبت به جمعیت در معرض ازدواج بسنجیم. آمار جوانان در معرض ازدواج ما در حال کاهش است. سال ۸۰ که بالاترین آمار ازدواج را داشتیم، دلیلش به سن ازدواج‌رسیدن بچه‌های دهه ۶۰ یعنی رسیدنشان به دهه دوم زندگی بود که بالاترین آمار ازدواج مربوط به این دهه است. حالا ممکن است که عده‌ای از دهه‌شصتی‌ها هنوز ازدواج نکرده باشند، اما حالا نوبت ازدواج جوانان دهه‌هفتادی است. تعداد بچه‌های دهه ۷۰ به مراتب کمتر از بچه‌های دهه ۶۰ بود و در دهه ۷۰ باروری ما به زیر چهار فرزند رسیده بود و حتی آخرهای دهه ۷۰ به تعداد به ۱.۸ رسیدیم. به بیان دیگر، متولدین دهه ۷۰ سالانه ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار از متولدین دهه ۶۰ کمتر هستند، بنابراین جمعیت در معرض ازدواج آنها هم طبیعتا کم شده. این در حالی است که میزان ازدواج‌های این دهه نه‌تنها کم نیست، بلکه افزایش هم داشته، اما چون تعدادشان از بچه‌های دهه ۶۰ کمتر است، در آمار هم این تعداد کم به نظر می‌رسد.

این جمعیت‌شناس با اشاره به کاهش موالید نیز تأکید کرد: کاهش موالید هم دقیقا به همین روند مرتبط است. دهه‌شصتی‌ها که تعدادشان زیاد بود و ازدواج کردند، بالطبع زادوولدشان هم بیشتر بود. من به این تغییرات، تغییرات ساختاری می‌گویم، نه فرهنگی. گفتنی است مطابق اعلام سازمان ثبت‌احوال، در سال ۹۱، نرخ ازدواج در ایران ۱۱.۷ در هزار نفر است، درحالی‌که بر اساس منابع معتبر بین‌المللی، این شاخص برای کشورهای فرانسه ۳.۹، کانادا ۴.۵، آلمان ۴.۷، نروژ و استرالیا ۵.۵، چین ۷.۵ و روسیه ۸.۵ در هزار نفر گزارش شده است که می‌توان نتیجه گرفت نرخ ازدواج در ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته بیشتر است. آماری که روز گذشته توسط سازمان ثبت‌احوال ارائه شد تنها مرتبط به آمار گذر از ازدواج دهه‌شصتی‌ها نبود؛ به گفته سیف‌الله ابوترابی، سخنگوی سازمان ثبت‌احوال، در سال ۹۷ بیش از یک میلیون و ۳۶۶ هزار و ۵۱۹ واقعه ولادت رخ داده است که از این تعداد ۷۰۴ هزار و ۶۷ نوزاد پسر و ۶۶۲ هزار و ۴۵۲ نوزاد دختر بودند.

به گفته او، نسبت جنسیت در ولادت به ازای هر ۱۰۶.۳ پسر صد دختر است و نسبت ولادت ثبت‌شده برای ساکنان شهرها ۷۷ درصد است. همچنین ثبت ولادت در مهلت قانونی حدود ۹۸.۷ و میزان عمومی (ناخالص) ولادت در کشور نیز به ازای هر هزار نفر جمعیت ۱۷.۱ بود.

سخنگوی سازمان ثبت‌احوال درعین حال اضافه کرد: پنج استان سیستان‌وبلوچستان، خوزستان، خراسان رضوی، هرمزگان و خراسان جنوبی دارای بالاترین میزان عمومی ولادت بودند و استان‌های گیلان، مازندران، البرز، مرکزی و سمنان پایین‌ترین میزان عمومی ولادت را در سال ۹۷ به خود اختصاص دادند. همچنین میانگین سن پدران در زمان تولد فرزند ۳۳.۷ سال و برای مادر ۲۹ سال و میانگین سن مادر در زمان ولادت اولین فرزند نیز ۲۷.۷ سال ثبت شده است.

وی در ادامه صحبت‌هایش به آمارهای چندقلوزایی اشاره کرد و یادآور شد: در سال ۹۷ ، ۱۹ هزار و ۹۱۱ دوقلوزایی ، ۶۴۶ مورد سه‌قلوزایی و ۲۱ مورد چهارقلوزایی در استان‌های اصفهان، فارس، خوزستان، آذربایجان‌غربی، آذربایجان‌شرقی، اردبیل، ایلام، تهران، خوزستان، سمنان، کردستان، گلستان و همدان و دو مورد نیز پنج‌قلوزایی در اصفهان و مرکزی به ثبت رسیده است.

به گفته این مقام مسئول، ۵۴۹ هزار و ۸۶۱ واقعه ازدواج و ۱۷۴ هزار و ۶۹۸ واقعه طلاق در سال ۹۷ در کشور به ثبت رسیده است که در این میان میانگین سن مردان در اولین ازدواج ۲۷.۵ سال و زنان ۲۳.۴ سال گزارش شده و میانگین سن مردان در طلاق‌های ثبت‌شده ۳۶.۹ سال و میانگین سن زنان به هنگام طلاق ۳۲.۱ سال ثبت شده است.

ابوترابی با اشاره به اینکه در میزان عمومی (ناخالص) ازدواج به ازای هر هزار نفر، هفت نفر است، اظهار کرد: استان‌های خراسان شمالی، اردبیل، کردستان، لرستان و خوزستان دارای بالاترین میزان عمومی ازدواج و استان‌های سمنان، البرز، تهران، بوشهر و اصفهان دارای پایین‌ترین میزان عمومی ازدواج در سال ۹۷ بودند. وی با اشاره به اینکه میزان عمومی (ناخالص) طلاق ۲.۲ به ازای هر هزار نفر جمعیت است، گفت: استان‌های خراسان رضوی، تهران، کردستان، قم، گیلان و اردبیل دارای بیشترین میزان طلاق و استان‌های سیستان‌وبلوچستان، چهارمحال‌وبختیاری، ایلام، خراسان جنوبی، هرمزگان و بوشهر دارای پایین‌ترین میزان عمومی طلاق در سال گذشته بوده‌اند. سخنگوی سازمان ثبت‌احوال در پاسخ به این سؤال که علت روند رو به کاهش ازدواج و ولادت چیست؟ اظهار کرد: گذار متولدین دهه ۶۰ از سن ازدواج و فرزندآوری تقریبا عامل اصلی روند کاهش ازدواج و ولادت است، اما در طلاق شاهد سکون روند طلاق هستیم، زیرا این موضوع مرتب توسط دستگاه‌های مربوطه، از جمله شورای اجتماعی کشور رصد می‌شود. وی با اشاره به اینکه روند تغییر نام و نام‌خانوادگی در کشور رو به کاهش است، گفت: خانواده‌ها در سال‌های اخیر در انتخاب نام دقت بیشتری می‌کنند. در سال ۹۷ شاهد تغییر نام‌خانوادگی ۱۷۵ هزار و ۹۵۷ نفر بودیم.

۲۵ سال حبس در انتظار اسیدپاشان

شرق: نمایندگان مجلس در مصوبه‌ای مقرر کردند که مرتکبان اسیدپاشی به قصاص نفس یا عضو و همچنین تا ۲۵ سال حبس محکوم شوند. نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی روز گذشته با ۱۴۷ رأی موافق، ۱۶ رأی مخالف و ۴ رأی ممتنع از مجموع ۲۱۵ نماینده حاضر در جلسه علنی ماده یک طرح تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن را تصویب کردند. براساس این مصوبه هرکس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر با هر میزان غلظت موجب جنایت بر نفس و عضو شود، در صورت مطالبه از ناحیه مجنی علیه یا ولی دم حسب مورد با رعایت شرایط مقرر در کتاب قصاص، به قصاص نفس یا عضو محکوم می‌شود. همچنین مطابق با تبصره این ماده، ریختن اسید یا سایر ترکیبات شیمیایی روی فرد، فروبردن اعضای بدن در درون اسید و اعمالی نظیر آن در حکم اسیدپاشی است.نمایندگان مجلس همچنین با پرداخت دیه اسیدپاشی به بزه‌دیدگان از بیت‌المال در صورت مرگ یا فرار مرتکب جرم موافقت کردند. نمایندگان با ماده دو طرح تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن، درخصوص شرایط مجازات مرتکب جرم با ۱۵۸ رأی موافق، ۹ رأی مخالف و یک رأی ممتنع از مجموع ۲۱۶ نماینده حاضر در جلسه موافقت کردند.ماده دو مصوب طرح یادشده به این شرح است: هرگاه شخصی مرتکب جرم موضوع این قانون شود و مجازات آن قصاص نباشد یا به هر علتی مانند فرار مرتکب یا مصالحه اولیای دم، قصاص اجرا نشود، مرتکب علاوه بر پرداخت دیه یا ارش مطابق مقررات مربوطه، به ترتیب زیر مجازات می‌شود:الف - در جنایت بر نفس و جنایت منجر به تغییر شکل دائمی صورت بزه‌دیده به حبس تعزیری درجه یک؛ب- در جنایتی که میزان دیه آن بیش از نصف دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه دو؛پ- در جنایتی که میزان دیه آن از یک‌سوم تا نصف دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه سه؛ت- در جنایتی که میزان دیه آن تا یک‌سوم دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه چهار؛تبصره ۱- به‌منظور حمایت از بزه‌دیدگان موضوع این قانون در مواردی که به علت مرگ یا فرار، دسترسی به مرتکب ممکن نیست، دیه از اموال وی و در صورت نداشتن مال یا کافی‌نبودن آن، تمام یا باقی‌مانده دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. همچنین در مواردی که مرتکب شناسایی نشود، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.تبصره ۲- هرگاه پس از دریافت دیه از بیت‌المال، مرتکب دستگیر شود، حق قصاص برای بزه‌دیده یا اولیای دم محفوظ است، لیکن بیت‌المال با توجه به امکانات مالی بزه‌دیده یا اولیای دم، حق رجوع به آنها را دارد.قانون قبلی مربوط به مجازات اسیدپاشی مربوط به اسفند سال ۱۳۳۷ است. روز گذشته و پس از ۶۱ سال نمایندگان قانونی جدید با هدف تشدید مجازات اسیدپاشان و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن را در مجلس شورای اسلامی تصویب کردند. طرح تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن در سال ۹۶ تنظیم و همان زمان برای بررسی در مجلس به‌صورت عادی اعلام وصول شد.اگرچه این طرح مدتی بعد در کمیسیون قضائی و حقوقی تصویب شد؛ اما با گذشت حدود دو سال از اعلام وصول آن، به‌دلیل حجم زیاد طرح‌ها، نوبت رسیدگی به آن در صحن مجلس نشده و در نهایت نمایندگان در صحن علنی روز دوشنبه ۲۳ اردیبهشت درخواست بررسی آن با قید یک‌فوریت را مطرح کرده و با ۱۶۱ رأی موافق، ۱۴ رأی مخالف و ۳ رأی ممتنع از ۱۹۹ نماینده حاضر آن را تصویب کردند.مجلسی‌ها روز گذشته نیز کلیات این طرح را با ۲۰۶ رأی موافق، چهار رأی مخالف و سه رأی ممتنع از مجموع ۲۳۰ نماینده حاضر تصویب کردند. پس از تصویب کلیات این طرح مجلس وارد بررسی جزئیات آن شد و دو ماده نخست آن به تصویب رسید.فاطمه حسینی، نماینده تهران، طراح یک‌فوریت این طرح گفت، در سال ۱۳۳۷ یعنی بیش از ۶۰ سال پیش آخرین قانون دراین‌باره تصویب شد، با توجه به گذشت ۶۰ سال بحث اعدام که در این قانون پیش‌بینی شده بود، منسوخ شد، همچنین با توجه به آنچه به جنبه عمومی جرم مربوط می‌شود و مجازات مرتبط با آن صورت می‌گیرد، اغلب موارد اسیدپاشی دیده می‌شود که امکان اجرای قصاص یا مجازات وجود ندارد یا بسیار دشوار است. این نماینده مجلس دهم افزود: جنبه عمومی قانون موجود قدرت بازدارندگی ندارد، سال ۹۶ نمایندگان مجلس طرحی در این زمینه تهیه کردند که پس از اعلام وصول عادی در کمیسیون قضائی و حقوقی بررسی و تصویب شد.در ماده واحده قانونی مربوط به مجازات پاشیدن اسید مصوب سال ۱۳۳۷ آمده است: هرکس عمدا با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر موجب قتل کسی شود، به مجازات اعدام و اگر موجب مرض دائمی یا فقدان یکی از حواس مجنی علیه گردد به حبس ابد با اعمال شاقه و اگر موجب نقص یا نقصان یا ازکارافتادن عضوی از اعضا شود، به حبس مجرد از دو تا ۱۰ سال و اگر موجب صدمه دیگری بشود، به حبس مجرد از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد. مجازات شروع به پاشیدن اسید به اشخاص حبس مجرد از دو سال تا پنج سال است.در کلیه موارد مذکور در این ماده در صورت اجرا ماده ۴۴ قانون کیفر عمومی بیش از یک درجه تخفیف جایز نیست.به گزارش ایرنا همچنین براساس ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲،۱۲،۰۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی، شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.طبق تبصره یک آن نیز زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید.در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی نیز آمده است: ماده ۱۹ مجازات تعزیری شامل؛ درجه یک: حبس بیش از ۲۵ سال، درجه دو: حبس بیش از ۱۵ تا ۲۵ سال، درجه سه: حبس بیش از ۱۰ تا ۱۵ سال، درجه چهار: حبس بیش از پنج تا ۱۰ سال، درجه پنج: حبس بیش از دو تا پنج سال، درجه شش: حبس بیش از شش ماه تا دو سال، درجه هفت: حبس از ۹۱ روز تا شش ماه، و درجه هشت: حبس تا سه ماه.حجت‌الاسلام حسن نوروزی، سخنگوی کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس هم در گفت‌وگو با ایرنا درباره این طرح به وجود تفاوت‌های ماهوی در آن با قانون قبلی اشاره کرد و گفت: در این طرح مجازات قصاص نفس و قصاص عضو پیش‌بینی شده که در طرح‌های قبلی نبود. همچنین ضمن پرداخت دیه، جنبه عمومی جرم هم بررسی شده؛ یعنی از جرم‌هایی است که شاکی عمومی و مدعی‌العموم هم می‌تواند وارد شود و به‌لحاظ عمومی جرم هم مجازات در نظر گرفته‌اند. حتی برای کسانی که مواد اسیدی در اختیارشان قرار می‌دهند، مجازات مشخص لحاظ شده است.

ادامه از صفحه ۱۲

دهکده جهانی؛ اسیر انواع مواد مخدر و روان‌گردان‌ها

...شگردهای دیگری توسط مغزهای متفکر باندهای قاچاق طراحی می‌شود و جاسازی به شیوه‌های دیگری متفاوت از شیوه‌های کشف‌شده پیشین صورت می‌گیرد که کسب مهارت اکتشاف جدیدی را در مأموران مبارزه با قاچاق می‌طلبد. در واقع مأموران مبارزه با قاچاق این مواد با آلات کشفی که دارند (اعم از ابزارهای الکترونیکی و سنتی و سگ‌های تربیت‌شده موادیاب) هربار با روش جدید و ناشناخته‌ای از شگردهای جاسازی مواجه می‌شوند که طریقه کشف مواد جاسازی‌شده با آنچه در پیش از آن تجربه شده است، متفاوت است.

بنابراین توسعه جهانی تجارت و ارتباطات اینترنتی - الکترونیکی و روش‌های گوناگون جاسازی به‌ویژه در مورد موادی مانند هروئین،کوکائین، کراک و مواد مشابه آنها که نسبت به منابع گیاهی خود حجم بسیار کمتری دارند و همچنین گسترش روزافزون انواع مواد روان‌گردان صناعی که طبق گزارش‌ها در برخی کشورها مانند آمریکا از ۲۵۰ نوع ماده مورد سوءمصرف تجاوز کرده و مواد پیش‌ساز آنها، قاچاق این مواد را افزایش چشمگیری داده و شناسایی و کشف مواد قاچاق‌شده را برای مأموران مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان با ابهامات، اشکالات و پیچیدگی‌های زیادی مواجه کرده است. در حدی که گفته می‌شود:

در مؤثرترین فعالیت مبارزه با قاچاق موادمخدر و روان‌گردان آنچه کشف می‌شود یک‌چهارم محموله‌های قاچاق‌شده است. از طرفی مشهور است که اگر از پنج محموله قاچاق‌شده برخی از مواد مانند هروئین بالای ۸۰ درصد خالص افغان‌ها چهار محموله کشف شود و یک محموله به مقصد (که اغلب کشورهای اروپایی، کانادا، برخی کشورهای آسیایی و به‌ویژه آمریکاست) برسد و پخش شود، ارزش دلاری این یک محموله نه تنها زیان مالی چهار محموله کشف‌شده را جبران می‌کند، بلکه سود سرشاری هم نصیب قاچاقچی خواهد کرد.

هم‌اکنون تمام مناطق دهکده جهانی که مساحت خشکی حدود ۱۵۰میلیون کیلومترمربع را شامل می‌شود، به‌نوعی آلوده به تولید، ساخت، قاچاق یا سوءمصرف این مواد است؛ چنانکه کشورهای اروپایی علاوه بر مواد روان‌گردان صناعی که در اغلب این کشورها حتی در آشپزخانه‌های منازل مسکونی آنها ساخته می‌شود، با قاچاق و پخش مواد مورد سوءمصرف دیگری از قبیل هروئین، کوکائین و کراک قاچاق‌شده از کشورهای مناطق آسیایی، آفریقایی و اقیانوسیه هم از واردات قاچاق و پخش‌شدن انواع موادمخدر و روان‌گردان نیمه‌صناعی در امان نیستند.

بلای خانمان‌سوز سوءمصرف موادمخدر و روان‌گردان‌ها

تردیدی نیست که قاچاق و پخش موادمخدر و روان‌گردان باعث اشاعه سوءمصرف و اعتیاد به این مواد -به‌خصوص درمیان گروه سنی فعال جوامع بشری- شده است. بلای خانمان‌سوز سوءمصرف موادمخدر و روان‌گردان طبیعی، نیمه‌صناعی و صناعی و اعتیاد به آنها حدود ۳۰۰میلیون انسان را در جهان به اسارت دارد که اگر اعضای خانواده هر معتاد در این مشکل خانوادگی- اجتماعی به حساب آیند، باید گفت بیش از یک میلیارد انسان از قاچاق، پخش و سوءمصرف این مواد در جهان رنج می‌برند و طبق گزارش‌های منابع رسمی جهانی سالانه بیش از ۲۰۰هزارنفر بر اثر سوءمصرف موادمخدر و روان‌گردان‌ها به هلاکت می‌رسند.

هیئت بین‌المللی کنترل موادمخدر سازمان ملل متحد در آستانه قرن جاری (بیست‌ویکم) نوشت: «... موادمخدر و روان‌گردان بهداشت عمومی را به‌طور فراگیری در تمام کشورها به خطر انداخته، خسارات سنگینی بر زندگی و بازده فعالیت‌های انسان وارد می‌آورد، سازمان‌های سیاسی قانونمند جهان را تهدید می‌کند و ضمن تأثیر بر اقتصاد کشورها و ارزش‌های اجتماعی باعث تخریب محیط زیست می‌شود...».

بنا بر اهمیت موضوع و بحث پیش‌رو تکرار و تأکید می‌شود که شکی نیست که آثار زیان‌بار قاچاق و پخش موادمخدر و روان‌گردان در زمان حاضر از قاچاق اشخاص، رخدادهای تروریستی کشوری و حتی دولتی و فرامرزی، قاچاق اسلحه متعارف و غیرمتعارف و قاچاق اعضای بدن انسان گسترده‌تر شده و به همزیستی مسالمت‌آمیز جامعه مدنی جهانی در سطح وسیعی لطمه می‌زند.

شرکت ملی نفت ایران
سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت

آگهی عمومی ارزیابی کیفی (تجدید مناقصه) ۹۸/۵

شماره مجوز: ۱۳۹۸.۱۰۴۴ **نوبت دوم**

سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت در نظر دارد تامین خدمات درمانی و تشخیصی زیر را به اشخاص واجد شرایط حقیقی / حقوقی از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای (پس از انجام ارزیابی کیفی مناقصه گران) واگذار نماید.

۱- شرح کار:

ردیف	شرح خدمات برونسپاری	محل اجرای کار	حداقل امتیاز کیفی
۱	فیزیوتراپی بیمارستان نفت تهران و درمانگاه کرج	تهران و کرج	۵۰
۲	سونوگرافی پلی کلینیک مشهد	مشهد	۵۰

۲- نحوه دریافت اسناد ارزیابی کیفی: اسناد ارزیابی کیفی در سایت WWW.PIHO.IR (سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت) جهت تهیه ، تکمیل و ارسال اسناد درج میگردد.
۳ - مهلت و محل تحویل اسناد تکمیل شده ارزیابی کیفی: مناقصه گران حداکثر تا ۱۵ روز کاری پس از درج آگهی نوبت دوم ، اسناد ارزیابی را تکمیل و بهمراه مستندات مورد نیاز و نامه درخواست شرکت در مناقصه با ذکر شرح خدمات برونسپاری و محل اجرای کار به آدرس : تهران- میدان ولیعصر (عج) - خیابان کریمخان زند - خیابان به آفرین - پلاک ۲۷- سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت- طبقه ۳- امور پیمانها ارسال و در صورت نیاز به هرگونه اطلاعات بیشتر با شماره تلفنهای ۸۸۸۹۲۱۵۳ یا ۸۳۳۰۶ داخلی ۲۷۳ و ۵۷۹ تماس حاصل نمایند.
۴ - سایر شرایط مناقصه:
۴-۱ - اسناد مناقصه بین متقاضیان واجد شرایط به تشخیص مناقصه گزار پس از بررسی مدارک شناسایی و ارزیابی کیفی توزیع می گردد.
۴-۲ - نوع و میزان ضمانتنامه فرآیند ارجاع کار و برآورد مالی آن از متعاقبا از طریق دعوتنامه کتبی به مناقصه گران واجد شرایط اعلام خواهد شد.

روابط عمومی سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت www.shana.ir